

عملکرد استنادار قابل دفاع است

امیرعباس سلطان پور، فعال سیاسی اصلاح طلب در استان آذربایجان شرقی در گفت و گو با هم میهن با تشریح عملکرد استاندار در دولت چهاردهم معتقد است با رویکردی که استاندار این استان نسبت به جریان های سیاسی در پیش گرفته، توانست وفاق ملی را در آذربایجان شرقی محقق کند.

انتخاب استاندار آذربایجان شرقی و عملکرد ایشان در مدت حضور در استان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از معبود استانداران بومی استان است که تمام سلسله مراتب اداری وزارت کشور را از ابتدای ترین پایه در مقطع کارشناسی تا استانداری و سرپرستی معاونت سیاسی وزارت کشور تاکنون برعهده داشته است. در نتیجه آقای دکتر سرمست کاملاً تمامی حوزه های مدیریتی را از سطح پایه تا سطح میانی و عالی طی کرده است. از سوی دیگر وی هم تحصیلات مرتبط دارد و هم از بدنه اجتماعی حامی دولت و حامی رئیس جمهور منصوب شده است. از زمان استقرار دولت تنها گزینه مورد استقبال و اجماع تمامی جریان های سیاسی است و ستاد آقای پزشکیان و نخبگان و بدنه استانداری بر روی آقای سرمست اجماع نظر داشتند و از کانال های مختلف به رئیس جمهور و وزیر کشور منتقل کردند. چراکه سابقه کار در جاهای مختلفی از جمله دانشگاه و استانداری داشتند و محبوبیت ویژه ای نیز در استان دارند. استاندار آذربایجان شرقی از زمان استقرار چند کار را در اولویت قرار گذاشته است که نخست ایجاد فاق و همدلی بین جریان های مختلف سیاسی، بعلاوه پیشبرد اپر پروژه ها و پروژه های استان آذربایجان شرقی است که چندین سال متوقف بوده است.

«عملکرد استاندارد آذربایجان شرقی در زمان جنگ را با توجه به اینکه این استان یکی از نقاط مورد حمله رژیم اسرائیل بود چطور ارزیابی می‌کنید؟

اتحاد و همبستگی مردم این استان مانند همه کشور در آذربایجان شرقی نیز جاری بود. در سایه مدیریتی که صورت گرفت، کمبود جدی در اقلام اساسی نداشتیم، هم عملکرد پافشاردی استان عالی بود و هم استان عملکرد قابل دفاع و مطلوبی؛ چه از نظر تأمین کالاهای اساسی، پافشاردی و حضور استاندار، در صحنه‌های مختلف داشت که باعث ایجاد آرامش و امنیت در سطح افکار عمومی شده بود و این عملکرد قابل دفاع است.

استاندار برای ایجاد وفاق ملی چه برنامه‌ای داشته است؟

در حوزه وفاق ملی، اولاً یک مجمع مشورتی تشکیل دادند و از کلیه نیروهای سیاسی حامی دولت و جریان‌های سیاسی، حتی ناهمسو استفاده کردند. استاندار یک مجمع مشورتی برگزار می‌کند و هفته‌ای یکبار در روزهای جمعه با جریان‌های سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا دیدار دارند و مشورت می‌گیرند. انتصاباتی که در این مدت انجام دادند با استفاده از نقطه‌نظرات جریان‌های سیاسی بوده و یک رویکرد تخصصی را در انتصابات در پیش گرفتند و تعامل کاملی با نمایندگان مجلس که بیشتر آن‌ها از طیف و جریان اصولگرا هستند دارند. خداش را که یک فضای آرام سیاسی در استان ایجاد شده است و نمود آن را در جشن قهرمانی تیم تیراکتورسازی می‌توان دید که با تدبیر ایشان به یک جشن عمومی در سطح استان تبدیل شد. از نظر من مدیریت آقای سرسخت فضای مهمی و وفاق را در استان تقویت کرده است.

❖ رویکرد وی در مورد پروژه‌های استانی چگونه بوده است؟

ما در سطح آذربایجان شرقی چند ماکپروژه داریم که متأسفانه سال‌هاست ارکاد مانند است؛ از جمله احیای دریاچه ارومیه و کردیوهای ارتباطی تبریز به بازرگان و مهمتر از همه انتقال آب ارس به قدرت تبریز و پیش‌آبریز دریاچه ارومیه. در سایه تدابیر ایشان هر سه ماکپروژه با قدرت تبریز می‌رود، به دلیل ارتباط سبایه و صمیمانه آقای سرست با شخص رئیس جمهور، آقای پزیزنیشکین و بار از این پروژه‌ها آفادی کردند. چند مرتبه وزیر نیرو و معاونین وی به استادن آمدند و استاندار با این تدابیر و جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید

سعی می‌کند که این پروژه‌ها را پیش ببرد. ایشان را فردی جهادی،

تلاشگر و متعهد به آقای رئیس‌جمهور می‌دانم که تمام ظرفیت‌ها را در آذربایجان شرقی فعال کردند. تعامل خوبی با اتاق اصناف و بخش خصوصی دارند و اوضاع در کنترل ایشان است.

انتصاب‌های انجام شده از سوی استاندار بیشتر از کدام

جریان سیاسی بوده و توانستند رضایت فعالان سیاسی را

نسبت به انتصابات جلب کنند؟

وضعیت انتصابات ایشان ممکن است نتواند همه را راضی کند و این طبیعی است که نتوان همه را در سطح مدیریت اجرایی راضی نگه داشت اما یک رضایت نسبی وجود دارد، چرا که اولاً

در مدتی که در استان مأموریت داشتند قلع

و قمعی در استان به وجود نیاوردند. اینگونه نبوده که کل شورای اداری و فرمانداران را عوض کنند، در مدت

هفت ماه، در حدود ۳۷ الی ۳۸ درصد شورای استان در معرض تغییرات قرار گرفته است و سهم جریان‌های سیاسی به صورت متناسب پیش رفته است؛ یعنی از نیروهای معتدل، آکادمیک و تخصصی استفاده کردند. استانداران علاقه خاصی به استفاده از نیروهای جوان، متخصص و دارای انگیزه دارد و

▼ حرکت بر مدار اصلاحات

استاندار آذربایجان شرقی، در انتصاب‌ها، رویکرد خود را کارنامه و برنامه افراد اعلام کرد که ملاک و معیار انتصاب خواهد بود. جلساتی را با مجمع نمایندگان استان برگزار کرد که هدف از آن استفاده از ظرفیت نمایندگان ادوار برای پیشبرد ولایت‌های توسعه‌ای و اقتصادی استان اعلام کرد. اما برخی اعضای مجمع نمایندگان معتقدند که برخی نمایندگان در انتصاب‌ها دخالت کردند و حتی برخی مسئولان مستقر در تهران نیز در این امر دخالت داشتند. سرمست خود را مگری گفت: «منظور ما ملی می‌اند و این هتدرا را هم داده است که باید بیان وفای و تفاف تفاوت قائل شد.

تأکید او بر استفاده از نیروهای داخلی و بومی استان بود و در بیان‌ه‌ها گفته است: «به دنبال استفاده حداکثری از ظرفیت‌های خیرگانی استان در سطح ملی هستیم، چون معتقدیم با وجود همه تقدا نباید مهره‌های خدمان را بسوزانیم.» روبکر مثبت بگری که از سوی بسیاری از فعالان سیاسی استان، گام روبه جلو در عملکرد سرمست بیان شده، پرهیز از تفتیش عقاید بوده است؛ هرچند که آن را صرفاً با پایگاه رای پزشکین نسبت داده است: «کارنامه و برنامه افراد ملاک و معیار استفاده از آنها در است‌های مدیریتی است و حتی تفتیش عقاید نیز نخواهیم کرد. به‌آفادری که کنبدی‌ای حضور در یک پست مدیریتی است، به پزشکین رای داده یا نه.»

وی مرتضی محمدزاده، مدیر دولتی‌های حسن روحانی و اهل قزوین را به‌عنوان معاون سیاسی و اجتماعی استانداری منصوب کرد. تقی کریمی، مدیر دولت خاتمی و اهل مرند را به‌عنوان معاون توسعه مدیریت و منابع استانداری منصوب کرد. سرمست، لم‌چنین ظفر محمدی، مدیر دولت روحانی را به‌عنوان معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری آذربایجان شرقی معرفی کرد. محمدباقر هنریز، سرپرست اداره کل امنیتی و انتظامی استانداری اهل تبریز دیگر انتخاب سرمست بود که در دولت حسن روحانی نیز مدیر بود.

▼ دست به عصا در انتخاب مدیران زن

سرمست در انتخاب زنان عملکرد چندان مناسبی نداشته است، به عقیده فعالان سیاسی استان آذربایجان شرقی، انتخاب چند زن در سمت‌هایی که همواره حضور بانوان در آنها مرسوم بوده، از جمله سرپرست امور بانوان و سرپرست امور اجتماعی فرهنگی دستاوردی در این زمینه محسوب نمی‌شود. سرمست مدیرکل اداره برنامه‌ریزی و بودجه استانداری را نیز از میان بانوان انتخاب کرده، اما انتصاب‌ها در همین سطح متوقف مانده است. سرپرست ویرانه‌ها و روبرو خلاف رویکردهای درپیش گرفته‌شده در دیگر استان‌ها که زنان به سمت فرماندار رسیدند، هیچ فرماندار زنی را منصوب نکرد و تنها به فرماندارانش توصیه کرد از زنان در لایه‌های بعدی مدیریت استفاده کنند: «به فرمانداران توصیه کردم حداقل سه نفر و حداکثر سه نفر از زنان را در مجموعه شهرستان در سمت‌های مدیریتی ترجیحاً به عنوان معاون فرماندار و بخشدار مرکزی منصوب کنند.»

استاندار آذربایجان شرقی با وجود آنکه در حوزه‌های اقتصادی و انتصاب نیروهای بومی توانسته نظر گروه‌های مختلف را در استان جذب کند، در انتصابات خود تا حدودی از سوی اصولگراها، مورد انتقاد است. سرمست در ارتقای جایگاه مدیریتی زنان در این استان توانسته انتظارات فعالان حوزه زنان را برآورده کند؛ انتصاب‌های محدود و غیر جسورانه او در این حوزه، به مقایسه با سایر استان‌ها، نشان می‌دهد که اقدامی قوی برای تحول در ساختار مردسالار مدیریتی محلی نداشته است.

آیا گزینه‌های منصوب شده استاندارد رویکرد توسعه‌ای در این استان دارند؟

رگرزاری سه‌شنبه‌های اقتصادی و جمعه‌های
کاری توسط استاندارد آذربایجان شرقی موثر و
قابل قبول است اما انتظار داریم معاونین وی نیز
هم‌پا با وی، برای پیشبرد امورات تلاش کنند و
حضور تیم استانداری میان مردم پررنگ‌تر شود. از
طرفی باید اختیارات استاندارد افزایش یابد و بعد از
فروغ اختیارات لازم، ارزیابی عملکرد در قیاس با
استان‌های هم‌تراز عادلانه‌تر شود. میزبانی استان
در مقامات ملی تحسین‌برانگیز است اما باید گزارش
عملیاتی این سفرها هم به مردم ارائه و وعده‌های وزرا
معاونین رئیس‌جمهور پیگیری گردد و هرچنان نیز
ازم باشد ما در کنار مسئولان استان آمده همیاری
ستیم.

در امور اجرایی چه رویکردی داشته‌اند و کارنامه اجرایی وی را چطور می‌بینید؟

استاندار آذربایجان شرقی باید شخصیتی اجرایی داشته و صبح تا شب بی‌تعارف و صریح پیگیری طالبات استان باشد. لازم است آقای سرمست رای رفع مسائل ضرب‌الاجل تعیین و در موعد مقرر دیدار دانشگاه‌های اجرایی را بازخواست نماید و با مشاهده ترک فعل‌ها و کوتاهی‌ها با چند مدیر برخورد کنند تا درس عبرتی برای سایرین شود. عدم برخورد مسئولینی که امروز و فردا می‌کنند جای تقدست یکی از عوامل عدم پیشرفت پروژه‌های زیرساختی عمرانی عدم قاطعیت در برخورد با مسببان است.

سیاستمداران



باید یقه امنیتی‌های خودمان را می‌گرفتیم

علی عبدالعلی زاده، رئیس ستاد انتخاباتی پزشکیان و استاندار آذربایجان شرقی در دولت هاشمی قفسنجانی، در گفت‌وگو با اصفانیوز گفت: «دکتر پزشکیان در شرایطی در انتخابات شرکت کرد که جبهه اصلاحات ایران، که جمعیت قابل توجهی از مردم به‌ویژه جوانان را نمایندگی می‌کند، شرط کرده بود که اگر حداقل یک یا دو نامزد اصلاح طلب تأیید صلاحیت نشوند، در انتخابات شرکت نخواهد کرد. در نهایت، همین طور هم شد و پزشکیان که گرایش اصلاح طلبی داشت و مورد حمایت جبهه اصلاحات بود، به‌عنوان یکی از شش کاندیدای تأیید صلاحیت شده وارد رقابت شد. اما ادامه داد: «به‌طور من، این «شمع» به اجبار روشن شد تا بخشی از تاریکی و سکوت دو انتخابات پیشین کاهش یابد. در انتخابات ۱۴۰۳ این اتفاق تا حدودی رخ داد. مشارکت ۴۲ درصدی در دور اول به‌عنوان بهتر از مشارکت ۲۰ درصدی بود. در دور دوم نیز وقتی مردم دیدند که پزشکیان رأی نخست را کسب کرده، با امید بیشتری پای صندوق رای آمدند و مشارکت به بیش از ۴۹ درصد رسید. این نشان می‌دهد اگر امید ایجاد شود، مشارکت نیز بیشتر می‌شود. او با اشاره به ساخت طولانی مدتش از مسعود پزشکیان گفت: «ما ۵۰ نفر چه روحیه‌ای دارد، اما تا به حال این شناسم می‌دانستم که چه روحیه‌ای دارد، اما تا به حال این عیارت را برای توضیح او به کار نبرده بودم اما حالا با توجه به این یک سال می‌گویم که پزشکیان مرد روزهای سخت است. این فعال سیاسی با یادآوری ترور اسماعیل هنیه در روز آغاز به کار رئیس جمهور پزشکیان گفت: «پس از ترور شهید هنیه باید یقه امنیتی‌های خودمان را می‌گرفتیم. باید نقاط ضعف امنیتی خودمان را کشف و اصلاح کنیم و پیش برویم. زمان ترور شهید هنیه هنوز رئیس جمهور کار خود را آغاز نکرده بود. وزرا و وزارتخانه‌ها را تحویل نگرفته بودند. تروری رخ داده و هیچ دولتی هم نگفته که ما این کار را کردیم؛ با چه کسی باید جنگیم؟» او درباره‌ی چگونگی حفظ وحدت در هفته‌های اخیر پیش‌بینی‌های پائیلان دادن به حبس و حصر و تغییر رویکرد صلاوسیمرا از مطرح دو کرد گفت: «حاکمیت در برابر مردم تعظیم کند و به این شمع ملو احترام بگذارد.

ادامہ سرمقالہ

این را هم می‌پذیریم که حتماً این رویکرد خود را به جلسات و دیدارها اظهار می‌کنید؛ ولی این‌ها چاره دردمرد نیست. تقریباً پس از جنگ و به‌ویژه آتش‌بس همه تحلیلگران متفق القول شده‌اند که نگاه و رفتار سرمد با مردم باید تغییر کند و شاهد روند بازگشت به مردم باشیم. ولی در عمل اتفاق ملموس‌تری رخ نمی‌دهد. سهیل است که علائم معکوس هم دیده می‌شود. جالب است که برخی مسئولین به ساختار سیاسی، رفتار مردم را به حساب حمایت آنان از ساختار می‌گذارند و این بدتر از همه چیز دیگری است. ما را به یاد انتخابات ۱۴۰۰ می‌اندازد که برای کاهش مشارکت و رای ندادن به آقای پزشکشان اعلام کردند که رای دادن به منزله رای دادن به ساختار است و همین موجب ریزش عده‌ای شد و از مشارکت در دور اول منصرف شدند. خوشبختانه در دور دوم این مسئله اصلاح شد و شور و نشاطی قابل توجه و مؤثر ایجاد شد. در واقع، مردم این رفتار رسمی و سرنویشت میهن خود تمایز قائل شدند. بهترین شاهد در تأیید این ادعا خواندن سرودهای ملی - میهنی حتی در عزاداری‌ها بود که قبلاً سابقه نداشت. پس نباید فرصت طلبانه و به نحس سبکی در مصارف رفتار سرمد مردم داشت. آقای پزشکشان هم در افکار سرخترانی خود در دست گفتند که: «باید کاری کنیم مردم باور کنند که ما خدمتگزار واقعی آنها هستیم، این موضوع را فقط در عمل می‌شود ثابت کرد». بلبه باید در عمل ثابت شود؛ ولی تاکنون هیچ شهادتی در تأیید این مسئله دیده نمی‌شود و این، تنها برای کشور و تمامیت ارضی و امنیت آن خطرات است؛ بلکه برای بهبود کارایی دولت هم زیان‌بار است. ریشه آن نیز در همین برداشت انحرافی است که عده‌ای تئسرو و بی‌پایگاه حضور رفتار مردم در دفاع از کشور و تمامیت ارضی خود را فریبکارانه مصداقه به مطلوب می‌کنند و از این طریق هم مدیریت کشور را تحت تأثیر اطلاعات نادرست قرار می‌دهند و هم حداقل برخی از مردم را از ادامه این راه پشیمانی می‌کنند. عاجل‌ترین وظیفه و مأموریت رئیس‌جمهور و مجموعه حکومت، قرار دادن قطار سیاست بر روی ریل مردم است. بدون تحقق این امر، هیچ مطلوبی حاصل نخواهد شد. گرچه مصادیق این توجع روشن است؛ ولی به جزئیات آن در سرفصل‌های دیگر خواهیم پرداخت.